

گفت‌وگو با سیروس مقدم کارگردان سریال «میکائیل»

گریه هم آدم‌ها را آرام می‌کند



پنهاز شیربانی

کارگردان پرکار تلویزیون، این روزها در تدارک ساخت سری جدید مجموعه «پایتخت» است؛ سریالی که به قول خودش پیگیری‌های مردم مجابش کرد آن را برای ماه مبارک رمضان بسازد. «پایتخت ۴» سریال پرهزینه‌ای است که طبق گفته مقدم تا اینجا تصویربرداری صحنه‌های خارج از کشور آن بدون حضور هیچ اسپانسری انجام شده؛ اما هم‌زمان با ساخت سریال «پایتخت» سریال «میکائیل»، دیگر اثر مقدم، در گونه پلیسی در حال پخش است. با مقدم درباره چگونگی ساخت سریال پلیسی و «پایتخت» که بعدها خواهیم دید به گفت‌وگو نشستیم.

۴ «پلیس جوان» و «دیوار» دو اثر از مجموعه آثار شماس‌ت که با محوریت پلیس ساخته شده. در دو مجموعه اخیر، پلیس به گونه‌ای دیگر تصویر شده؛ فردی که تا حدی می‌تواند دچار اشتباه و خطا هم بشود. «میکائیل» با چه ذهنیتی درباره شخصیت پلیس تعریف و نوشته شد؟
اساسا نوشتن و ساختن درباره کاراکتر پلیس در ایران، امری سخت و به‌شدت پیچیده است. در شکل به ظاهر ساده است و چارچوب مشخصی دارد، ولی به همان اندازه دشوار است، گویی باید در سریال‌های پلیسی ما، شخصیت پلیس، پاستوریزه و عاری از هرگونه خطا و لغزش و حتی در شرایط بحرانی، دارای عواطف منطقی و حساب‌شده باشد؛ عاطفی نظیر خشم ناگهانی، یأس، شادمانی بسیار، حرف‌های معمولی و عامیانه و حتی نشست‌وبرخاست‌های غیرمتعارف، در کاراکتر پلیس جایی ندارد و همه چیز شسته‌رفته و از قبل پیش‌بینی شده، اتفاق می‌افتد. سعید نعمت‌الله در نگارش و من در ساخت، تلاش کردیم تا «میکائیل» انسانی باشد که برجسب علاقه و ذات عدالت‌طلبی‌اش، لباس پلیس و خدمت به مردم را تن کرده و نه اینکه «راتی» باشد با اعمالی خشک و عاری از عاطفه و احساس که انجام وظیفه می‌کند؛ بنابراین در این تعریف، «میکائیل» انسانی است که مانند مابقی نوع بشر، دارای احساسات و عواطف است، غم و شادی را می‌شناسد، رنج و سرمستی را تجربه می‌کند و طبیعی است که نوع اعمال و رفتارش و حتی کلامش به‌شدت انسانی و مردمی است و به همان میزان هم وظیفه‌شناس، سخت‌گوار و عدالت‌طلب است.

۴ سال‌هاست آشنایی‌زادای از شخصیت پلیس با شیوه‌ای که به آن اشاره کردیم انجام می‌شود. لزوم پرداختن به شخصیت پلیس در چنین موقعیتی چیست؟ فکر نمی‌کنید بهتر است پلیس را در موقعیت‌های جدیدتری قرار داد؟

برای نشان‌دادن پلیس در موقعیت‌های جدیدتر و فضاهای تازه‌تر، به چیزهای مختلفی نیاز داریم؛ اول اینکه بپذیریم پلیس هم مانند سایر احاد جامعه، ممکن است در شرایط پیچیده‌ای قرار گیرد. این شرایط می‌تواند به‌شدت جدی باشد و پرمخاطره و ازسوی‌دیگر در عین جدیت، موقعیت، کمیک و بامزه شود. پلیس ما می‌تواند در شرایط سخت، درمانده شود، نومید شود، حتی تصمیم غلط بگیرد و همین تصمیم، شرایط بحرانی‌تری به‌وجود بیاورد و حالا برای گذر از این بحران، پلیس ما به شدت مورد توجه و علاقه مخاطب واقع می‌شود. دوم اینکه همگان بپذیریم که زمانی پلیس ما قدرت‌مند ظاهری می‌شود که با مجرمان و خلافکاران باهوش و روش‌های پیچیده و حرفه‌ای طرف شود؛ دشمن را دست‌کم نگیرد و حتی در مرحله‌ی از فعالیتش با شکست روبه‌رو شود و سپس با هوش و ابزار کار هوشمندانه، از حریف سبقت گرفته و در نهایت با دولتی حماسی، سرانجام یابد. سوم اینکه اجازه بدهیم هنرمندان پنجره‌ها و دریچه‌های تازه‌تری را باز کنند و از همین منظر به سوزنه پرداخته شود. این نگاه جدید، می‌تواند حتی قصه‌های تکراری را طراوت‌زاه‌ای ببخشد. چهارم اینکه این اجازه داده شود تا پرونده‌های واقعی و سوزنه‌های اجتماعی و حتی اقتصادی و جرائم منسب به آنها را، تبدیل به فیلم‌نامه کرد و با مستندات آن، در طول جلسات تحقیق و پژوهش واقعی به عمل آید و پرونده‌های واقعی گشوده شود. این موضوعات برای مردم و مخاطب به‌شدت ملموس و قابل همذات‌پنداری است.

۴ آثار شما معمولا ویژگی‌های جذب مخاطب و همراه‌کردنش را در خود دارد. در این سریال‌ها، پرداخت قصه و شخصیت‌ها به گونه‌ای است که برای مخاطب، غم‌انگیز است، فکر نمی‌کنید این دسته سریال‌های ملودرام در جامعه‌ای که بیش از هر چیز نیاز به نشاط دارد، خوشایند نباشد؟!

به اعتقاد بنده، همان‌قدر که خنده، آدم‌ها را آرام می‌کند. گریه نیز موجب تخلیه روحی و آرامش می‌شود. علاقه‌مندی مردم به سریال‌های ملودرام و فیلم‌های درام، حاکی از این امر است. قصه خوب را مردم تعقیب می‌کنند.

حالا چه «پایتخت» کم‌دی باشد یا «نرگس» ملودرام.

۴ در این سریال باز هم از قلم سعید نعمت‌الله برای نگارش قصه کمک گرفتید. آیا «میکائیل» طرحی بود که از طرف سعید نعمت‌الله به شما پیشنهاد شد یا صرفا سفرashi که بعد نگارش آن را به او سپردید؟
سعید نعمت‌الله چند ویژگی برجسته دارد: اول اینکه تسلط خوبی نسبت به موضوعات و معضلات اجتماعی دارد و چون خودش رشدیافته

در محیط‌های معمولی است، این طبقه و قشر را در لایه‌های پایین جامعه می‌شناسد. دوم نوع دیالوگ‌نویسی و گفت‌وگوی شخصیت‌ها، به‌شدت تأثیرگذار و در عین موزون‌بودن، محاوره‌ای و قابل درک برای همگان است. سوم، فضاسازی‌ها و تعلیق‌های موجود در فیلم‌نامه‌های نعمت‌الله به شدت به ذهنیت من نزدیک است و مخاطب را مجاب می‌کند تا بقیه قصه‌اش را بشنود و ببیند...

نطفه طرح «میکائیل» در جلسات مشترک ما و نعمت‌الله و دکتر منتظرالمهدی در ناجی هنر، بسته شد؛ سپس با محور قرارگرفتن بحث «امنیت» توسط نعمت‌الله نگاشته شد.

۴ سال‌هاست از این صحبت می‌شود که عدم ساخت سریال‌های استاندارد پلیسی در تلویزیون و سینمای ما به شدت چشمگیر است، هرچند باید به این موضوع نیز قائل بود که اساسا هزینه ساخت این‌گونه آثار هم، به‌نسبت بالاست. طبعاً در این شرایط باید به کیفیت قصه فکر کرد که بتواند مخاطب را با خود همراه کند. این محدودیت‌ها برای شما دست‌وپاگیر نیست؟

هر سوزنه‌ای برای به‌تصوردرآمدن، نیاز به ابزار خاص خودش دارد. بعضی قصه‌ها بازنگرمحور است. بعضی قصه‌ها لوکیشن‌محور است و برخی فضامحور... قصه‌های پلیسی هم کاملا امکانات‌محور است. برای ساخت یک اثر پرحادثه پلیسی، طبعاً نیاز به امکانات و ابزار پلیسی داریم. شما اگر از تکنیک بالای فیلم‌سازی هم برخوردار باشید؛ ولی به لحاظ امکانات، فقیر و محروم. بسیاری از تفکرات شما جامه عمل نخواهد پوشید و در حد خیال و رؤیایافی، می‌ماند.

در «میکائیل» با توجه به شناختی که ما از امکانات داشتیم، فصل‌های حادثه‌ای و اکشن را به گونه‌ای نوشته و ساختیم که کمبود امکانات و ابزار، صدمه‌ای به کار نزنند.

۴ طبعاً نیروی انتظامی هم نظرات خاص خودش را در کار اعمال کرده است. این اعمال نظرات منجر به جرح و تعدیل سریال هم شد؟ و احیاناً اعمال نظرات آنها باعث نمی‌شود که کار با کیفیت اولیه به مخاطب ارائه نشود؟

فیلم‌نامه «میکائیل» قدم‌به‌قدم و گام‌به‌گام با تعامل نیروی انتظامی و ناجی هنر نوشته شد. این هم‌فکری و همکاری در جلسات متقابل از روز اول و بحث درباره طرح اولیه، شروع شد و تا آخرین لحظه ادامه پیدا کرد. حضور یک کارشناس در کنار ما هم کمک می‌کرد تا اگر اشکال یا مورد اختلافی وجود داشت، با هم‌فکری برطرف شود؛ بنابراین در نسخه نهایی فیلم‌نامه آموش اختلاف زیادی وجود نداشت و چیزی به نام اعمال‌نظر یا تغییر رای ناگهانی یا... وجود نداشت.

۴ برای ساخت یک اثر پرحادثه پلیسی، طبعاً نیاز به امکانات و ابزار پلیسی داریم. شما اگر از تکنیک بالای فیلم‌سازی هم برخوردار باشید؛ ولی به لحاظ امکانات، فقیر و محروم. بسیاری از تفکرات شما جامه عمل نخواهد پوشید و در حد خیال و رؤیایافی، می‌ماند. در «میکائیل» با توجه به شناختی که ما از امکانات داشتیم، فصل‌های حادثه‌ای و اکشن را به گونه‌ای نوشته و ساختیم که کمبود امکانات و ابزار، صدمه‌ای به کار نزنند

۴ به‌نظر می‌رسد انتخاب علیرضا خمسه به عنوان شخصیت منفی سریال، انتخاب عجیبی بود، هرچند معمولا مخاطب او را در سریال‌های جدی هم می‌پذیرد، اما به‌نظر می‌رسد انتخاب او برای نقش «آقاخان» ریسک بود...

از روز اولی که کاراکتر «آقاخان» توسط سعید نعمت‌الله خلق شد. نگاه ما به علیرضا خمسه بود. آقاخان باید آدمی لاغر و لاجون و نحیف و ضعیف می‌بود که در ظاهر، فردی آرام و دلسوز مردم است و کم‌کم بی به ماهیت پلید و خطرناک او می‌پریم. بیننده باید تا مدت‌ها با «آقاخان» دلسوزی و همراهی می‌کرد و حتی از او انتظار این‌همه خشونت را نداشت و کم‌کم روی دیگری از «آقاخان» و نفرتش از «میکائیل» نمایان می‌شود.

۴ انتخاب بازیگران سریال بر چه اساسی بود؟
هر فیلم‌نامه‌ای خودش کاراکترها را صدا می‌زند. «میکائیل» قصه ما پلیسی قلدر و خشن و به‌شدت مردمی است. طرز رفتار و حرف‌زدنش بسیار به مردم قشر پایین نزدیک است و در مقابل ظلم، بی‌حرکت نمی‌ماند. اعتقاداتش ضمن اتکا به قانون، به‌شدت جانبدارانه است. در مقابل ظلم، بی‌طرفی را نمی‌شناسد و... همه این ویژگی‌ها در کامبیز دیرباز موجود است. او موتورباز قهاری است. لوطی‌مسلك است و با مردم می‌جوشد... کامبیز اولین انتخاب ما برای «میکائیل» بود و به همه اینها محبوبیت او و توان بالای بازیگری را هم اضافه کنید.

برای نقش رشید، به جوانی ماجراجو، زمخت و بی‌کله نیاز داشتیم. رشید در عین بچه‌بودن به شدت احساساتی است. تعصب او به برادرش و زن و بچه برادرش مثال‌زدنی است. اهل دعواست و همواره حسادت او به «میکائیل» او را آلت دست «آقاخان» قرار می‌دهد. کامران قنّتی بعد از تجربه ما در «زیر هشت» گزینه ایده‌آلی برای رشید بود. درباره «یاس» مثل نامش با زانی موجه، آرام و زیبا و بادریات روبه‌رو هستیم. او برای حفظ خانواده حتی متوسل به دروغ هم می‌شود. بهوش طباطبائی هم اولین

انتخاب این نقش بود.

سایر نقش‌ها هم با هم‌فکری سعید نعمت‌الله، تهیه‌کننده، شبکه و ناجی هنر انتخاب شدند.

۴ شما تقریباً تمام گونه‌های سریال‌سازی را تجربه کردید. به کدام یک تعلق خاطر بیشتری دارید؟
هر قصه‌ای که خوب نوشته شود یا هر ایده‌ای که حرف‌های تازه‌تری در آن باشد من را به وجد می‌آورد و وسوسه ساختنش را در ذهنم شکل می‌دهد. حالا این می‌تواند یک گونه کم‌دی باشد؛ مثل «پایتخت‌ها»، «چار دیواری» یا «چک برگشتی» یا گونه‌ای ملودرام مثل «نرگس»، «رستگاران» و... یا گونه‌های اجتماعی مثل «زیر هشت»، «تا ثریا» یا گونه‌های پلیسی مثل «دیوار» و «میکائیل». ممکن است در آینده، گونه تاریخی یا مذهبی با قصه‌ای خوب را تجربه کنم.

۴ نوروز امسال بسیاری منتظر «پایتخت» دیگری بودند و پخش آن به ایام ماه رمضان موکول شد. کمی از ویژگی‌های این قسمت برایمان می‌گویید؟

ساخت و نمایش «پایتخت ۴» به‌دلایل متعددی برای نوروز، عملی نشد و به‌همین‌دلیل به ماه رمضان موکول شد. مردمان زیادی -چه داخل و چه خارج از کشور- ما را به ساختن «پایتخت ۴» ترغیب کردند. ارگان‌های مختلف، عزیزان طلبه و روحانی، مسئولان و مردم کوچه و بازار سراغ «پایتخت» را می‌گیرند. گویی خانواده «پایتخت» جزئی از خانواده آنها شده است؛ بنابراین باوجود اینکه ساخت «پایتخت» امری بسیار سخت و دشوار است، دعوت مردم را لبیک گفتیم و «پایتخت ۴» را می‌سازیم.

۴ خاطرم‌است هزینه زمانی از هزینه سرسام‌آور ساخت سریال پایتخت در خارج از ایران صحبت می‌کردید؛ چراکه این طرح را برای فصل‌های پیشین سریال هم در نظر داشتید و ظاهراً در «پایتخت ۴» اتفاق افتاده است. آیا حضور اسپانسرها، این مشکل را از پیش‌روی شما برداشته است؟
«پایتخت» سریالی پرهزینه است و تولید سختی دارد؛ جابه‌جایی‌های مکرر جمع‌کردن کل تیم ثابت جلو دوربین، سفرهای بین‌شهری و... اما با همه سختی‌ها هزینه‌ها، برآورد مالی آن تقریباً نزدیک به همه سریال‌هایی است که در یک آپارتمان و با تعداد محدودی بازیگر و به شکل پلاتویی اجرا می‌شود. برنامه‌ریزی دقیق و محاسبات درست تهیه‌کننده و همکاری دلسوزانه تیم تولید، کمک می‌کند تا «پایتخت» طبق بودجه پیش‌بینی‌شده و در زمان معینی تولید و پخش شود. اسپانسر هم اگر وجود دارد، صرفاً برای کمک به سازمان است تا بتواند بودجه سریال را تأمین و برای گروه، فقط آرامش خاطر تولید را فراهم کند.

«پایتخت ۴» تا زمان حال، بدون حضور اسپانسر و فقط به همت تهیه‌کننده و حمایت سازمان، بخش‌های خارج از کشورش گرفته شده است.

۴ پروژه «صدام» و «پایی که جا ماند» دو اثری است که نسبت به ساخته‌شدن آنها احساس ادای دین می‌کردید. شرایط ساخت آنها فراهم شده است؟

«پایی که جا ماند» کتاب خاطراتی است که وقتی بنده اعلام کردم علاقه به ساخت آن دارم، ناگهان دوستان دیگری اعلام کردند آنها تمایل به این کار دارند و بنده نیز خودم را کنار کشیدم. ولی هم‌اینک که حدود دوسال از این موضوع می‌گذرد، هیچ اقدامی توسط دوستان انجام نشده و حیف است که این خاطرات ارزشمند، سریال نشوند. در مورد «صدام» نیز طی دوسال با همت مؤسسه اوج و توسط علیرضا نادری، متن زیبایی نوشته شد که قرار بود ساخته شود، طبیعتاً این پروژه، پروژه فراملی است و شرایط ویژه خود را دارد و احتیاج به برنامه‌ریزی و مدیریت کلان‌تری دارد تا تبدیل به اثری ارزشمند و باکیفیت شود.

۴ قرار بود سریال «علی‌الدل» برای ایام رمضان تصویربرداری شود، ساخت این سریال منتفی است یا به زمان دیگری موکول می‌شود؟

فیلم‌نامه «علی‌الدل»، فیلم‌نامه‌ای بسیار سخت با پروداکشن عظیم و هزینه‌بردار است. یک روستا باید دکور زده شود و بیش از ۲۰ بازیگر طراز اول، بنابراین با توجه به زمان کم مانده تا ماه رمضان و سختی تولید و ساخت دکور و هزینه‌های آن، ملاحا اسمال از دست‌ور ساخت خارج شد. اما با توجه به اینکه «علی‌الدل» نیز سوزنه ناب و تازه‌ای دارد و حدود چندقسمت از آن نوشته شده است، می‌توان در فصل بهتری آن را تولید کرد.

۴ معمولاً در آثارتان گوشه چشمی هم به مسائل اجتماعی دارید، در «پایتخت ۴» هم شاهد صحبت از مسائل روز هستیم یا احیاناً نقدی؟

اساساً نگاه «پایتخت‌ها» با موضوعات، انتقادی است؛ نقد جامعه، نقد اخلاق، نقد روابط و... . طبیعی است که «پایتخت ۴» نیز با نگاهی نقادانه ساخته شود.

۴ چرا مه‌ران احمدی در «پایتخت ۴» حضور ندارد؟

مه‌ران احمدی پیش از عید با فیلم «خان ابیار» قرارداد بست و ایام فیلم‌برداری این دو کار، هم‌زمان می‌شود. بنابر این اولویت با ایشان است.

۴ معمولاً این هماهنگی در دفتر شما هست که هم‌زمان با ساخت یک سریال، مقدمات ساخت سریالی دیگر توسط گروهی دیگر انجام شود، هم‌زمان با ساخت سریال «پایتخت ۴»، مقدمات ساخت سریال دیگری فراهم می‌شود؟

فعلاً همه هم‌وغم ما تولید «پایتخت» است. «پایتخت» به اندازه کافی وقت‌گیر و سخت است و نمی‌شود در کنارش به پروژه دیگری فکر کرد.

شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۸۴ • ۹

شرق روزنامه هنر

موسیقی عرفانی نداریم؛ گفت‌وگو با بهرام پورمند

تئاتر بدون قراردادهای زنده نیست

عراقی‌ها تنها به آینده فکر می‌کنند

جعبه جادو

چند سطر درباره «درحاشیه»

نهال مدنیت «حراست» می‌خواهد

نادر اربابی

گرچه آرزوی هر انسانی این است که هیچ‌گاه تشش به ناز طبییان نیازمند نشود ولی چه حاصل که ساختار جسمی و روحی این موجود خاکی چنان است که از این مواجهه گریزی نیست و این مواجهه منجر به رابطه‌ای شده که هیچ‌گاه بی‌حاشیه نبوده، به همین سباق حاشیه‌هایی که هم‌اکنون در اطراف سریال «درحاشیه» پدید آمده.

سریال «درحاشیه» خوب یا بد، سخیف یا وزین انگشت بر این رابطه البته با تمرکز خیلی بیشتر در قطب پزشک آن نهاده و آن را در معرض تماشای همگان قرار داده است. آیا آن را واقعاً آنچنان که در جامعه هست نمایانده یا نه؟ آیا راه افراط و تفریط پیموده و آن‌طور که تعداد زیادی از پزشکان فکر می‌کنند از جاده انصاف خارج شده است؟

حقیقت این است که نویسنده این سطور با توجه به اینکه بخش‌های زیادی از سریال را ندیده و تخصص و مهارتی در حیطه رسانه، به‌خصوص امر ظریف «طنز» ندارد، قادر به قضاوت در مورد پاسخ سؤال فوق نیست ولی قصدش این است فارغ از اینکه پاسخ سؤال بالا چیست و ضمن احترام کامل به دغدغه‌های همکارانش، مسائل را به‌عنوان یک پزشک از زاویه دیگری ببیند و با همکارانش در میان بگذارد.

اولاً آنچه که ما امروز به‌عنوان دانش پزشکی در اختیار داریم، بخشی از دانشی است که بر بستری روپیده است که توسط تفکر نقاد و پرسشگر انسان مدرن آبیاری شده است. پرسشگری و انتقادی‌اندیشیدن بیش از هرچیز به زمینه‌ای از تحمل و مدارا نیاز دارد و غلط است که فکر کنیم این صبر و شکیبایی فقط محدود به مسائل علمی است چراکه اگر مدارا در ناخودگاه جمعی جامعه نهاده‌نی نشده باشد، تحمل در مسائل علمی صرف هم وجود نخواهد داشت.

این حقیقت تلخ است ولی چهاره‌ای از گفتن آن نیست که اثر قرن‌ها استبداد و خفقان تاریخی در ناخودگاه همه، ازجمله ما پزشکان جا خوش کرده و هرازگاهی به بهانه‌های مختلف ولو با لباس مبدل و شکل راممحسوس از وجودمان سرک می‌کشد و به من و ما این توهم را می‌دهد که به‌لحاظ نیاز مبرم خلاقیت به من، باید واجد امتیازات ویژه باشم و صداالبته به‌خاطر تقدس ذاتی که معتقدم باید برای حرفه‌ام مقروض گرفته شود، سخنی در باب انتقاد من گفته نشود غافل از اینکه حتی در کتب پزشکی زمان حاضر که قاعداً باید به جنبه‌های صرف بیولوژی و جسمی توجه کنند، هم آورده شده که زمان رابطه پدرسالارانه در رابطه پزشک و بیمار سر آمده و نقد این رابطه از نوع برابر و مساوی باشد بی‌آنکه یکی بر دیگری حقی ویژه داشته باشد. به‌نظر همکاران گرامی، اگر رابطه پزشک و بیمار را گسترش دهیم، به رابطه صنف پزشک و جامعه، آیا این انتظار بجایی است که صنف پزشکان برای خود جایگاهی قائل باشد که از آن بوی انتقادنپذیری و پدرسالاری استثممام شود؟

بسیاری از پزشکان مدرن معترض معتقدند این سریال باعث هتک حرمت پزشکان و جامعه پزشکی شده است.

آیا واقعا این‌گونه است؟ باز نویسنده این متن، تمایل به قضاوت در اینجا هم ندارد ولی گمان می‌کند که همکاران محترمش مستحضرنند که مرز هتک و نقد بسیار باریک است به‌طوری‌که گاهی لازم است در دادگاه تکلیف آن معلوم شود ولی به‌هرحال فارغ از تفاوت‌ان این دو، آنچه که بیشتر طبیعی حرفه ما پزشکان دبایند به‌هرحال نقد تلخ است و هضم آن سخت‌تر. تلخی‌ای که انسان‌های فرهیخته جوامع توسعه‌یافته سال‌ها قبل چشیده‌اند و البته بعد میوه‌های آن را هم چیده‌اند. متأسفانه به‌نظر می‌رسد رسیدن به مدنیت و توسعه از این مسیر باریک‌تر از او مو می‌گذرد. حال گر چو منی آن را نمی‌پسندد، لاجرم به قول حافظ باید اگر می‌تواند قضا را تغییر دهد!

اگر جامعه با افراد ادعای نقدپذیری دارند، باید از قدرت تحمل و سعه‌صدر بالایی برخوردار باشند. طبیعتاً در این حالت افراد تمایل دارند به عمد هرچه‌بیشتر در موارد مشکوک و مشتبه، دایره هتک را تنگ‌تر و محدوده نقد را فراخ‌تر ببینند چون می‌دانند بدون این اغماض و گذشت در این موارد، توقع آزادی بیان و دموکراسی بسی بیجا و عبث است. دیگر اینکه به‌صورت طبیعی حرفه ما پزشکان مرجع افراد زیادی است و موردتوجه فراوان مردم است، دلیل آن هم روشن است. به‌دلیل اهمیت واضحی که سلامت و بیماری را زندگی بشر دارد و این چه‌بسا ما را در خطر نخوت و غرور بیجا بکشدان که نه در سنت و فرهنگ ما پسندیده است، نه در جهان جدید که لااقل در ادعا همه ابناء‌بشر با حقوق مساوی فرض می‌شوند و باز باعث بسی تأسف است که گفته شود گاهی آتش این تکبر و غرور بیجا اقتدر داغ و سوزان می‌شود که حتی دامن همکاران و هم‌رشته‌ای‌ها را هم می‌گیرد چه رسد به مردم عادی اگرچه وجدان قاطبه جامعه پزشکی پاک و انسان‌دوست است ولی به‌طورکامل از این آفت مبرا نیست.

حال انصافاً اگر من پزشک در این وادی بودم، آیا برای جامعه امروزی ابزاری بهتر از رسانه‌ها یعنی این رکن چهارم دموکراسی خواهد بود که این خطا و سایر اشتباهاتم را بر من روشن کند، من و ما باید بدانیم اگر کاروان علم و تکنولوژی برای ما سلاح‌های تیرتری در مبارزه با امراض به ارمغان آورده و ما را کارا‌تر کرده، برای جامعه نیز ابزارهای مدرنی چون رسانه‌های جدید که در گذشته موجود نبوده آورده که آنها هم باید کارکرد طبیعی خود را داشته باشند.

«متخصص پوست و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد قم